بقلم : آقای پورداود استاد دانشگاه

مهاجرت پارسیان بهندوستان

و در این سالهای دراز از پستی و بلندی آنان آگاهی یافتن است

پس از شکست یافتن راجای هندو دگرباره زرتشتیان پس از چندین صد سال اقامت در سنجان پراکنده و پریشان شدند کوه بهاروت که در هفت میلی مشرق سنجان واقع است مانند کوههای خراسان در آغاز تاخت و تاز عربها در ایران پناهگاه آنان گردید هنوز هم در آنجا غاریکه درمدت ۱۲ سال آرامگاه آتش مقدس ایرانشاه بود دیده میشود . دورهٔ کوه نوردی سر آمد کاروان آوارگان بشهر بانسده فرود آمد بهدینان از گوشه و کنار باین سامان شتافتند مشتاقین ایرانشاه بزیارت شعله ایزدی میآمدند بانسده مانند سنجان در پارینه رونقی گرفت مگر آنکه در فصل باران شدید معروف به برساد آمدوشد دشوار بود بنابراین آتش بهرام را (ایرانشاه) باجلال تمام به نوساری بردند درورود ایرانشاه بنوساری نیز اختلاف است «منانت» میگوید این امر در سال ۱۴۹۱ صورت یافت « مدی » قائل است که در ۱۵۱۶ بنوساری رسید عجالتاً در خصوص ایرانشاه بیش از این صحبت نمیداریم تا بعد مفصل تر شرح دهیم، چنانکه « آسه » و یا « چنگه شاه » که در قصه سنجان از او اسم برده شده و بهمت او ایرانشاه به نوساری نقل گردید از بزرگان پارسیان قدیم است. در کتابهائیکهٔ پیش از قصه سنجان انشاه شد از او اسم میبرند از آنجمله در روایت هوشنگ نریمان مذکور که در سال ۱۴۷۸ انشاه شده است از « چنگه شاه » نام برده گوید : و دیگر چنگه شاه و دیگر هیربد باچه وهیربد داداو هیربد خورشید وباقی دین ورزیداران و روان بوختاران بدانند که مردی آمد از هندو او گفت که نریمان هوشنگ نام دارد و خانه و مقام در شهر بروچ و دوین جانب موبدان وهیربدان سئوال کردم و او شرح حالها گفت که در نو ساری سالاری بهدین است او را نام چنگه شاه و جزیه بهدینان نوساری را دور گذرانیده است و بهدینان آنجانب بهمه آفرین کردند رحمت بر آن اشوران . در روایت دومی هوشنگ نریمان که سه سال پس از اولی تالیف یافت از چنگه شاه و پسرش بهرام چنگه شاه اسم میبرد. **ناتمام**